

هشدار به مبارزان ضد دیکتاتوری

های سیاسی خبیث است. در واقع جنبش با گام های فرسنگی به پیش می رود، در حالی که شرایط اشتقاقی میانه و طولانی و فشارها و صدمات ناشی از آن و کج روی های بی شمار بسیاری از عناصر پیشرو در گذشته مانع شده که سازمان های سیاسی و طبقاتی و احزاب بتوانند از بسی پیش خود را برای مواجه شدن با این توفان برداشته توده ای آماده سازند. و اکنون که توفان غلغله سیده و جنبش به مرحله بلوغ خود رسیده و سازمان های سیاسی از نظر تشکیلاتی هنوز گنگ و نامشخص و نارسا هستند نظرسازماندهای و رهبری امکان بهره برداری عملی و انقلابی از نیروهای عظیمی را که آزاد شده و مردم گستره و وسیع آن فرزندانی می گردند ندارند. عقب افتادن سازمان های سیاسی و در مواردی رهبران آن از جنبش توده ها، نقاط آسیب پذیر این جنبش را زیاد و قدرت مانور و انگیزه و خود را از دست می دهد. این واقعیت است که به بیشترین نیرو و در یک نقطه آن اراده متحرک طول و عرض بسیار تنگ است و فاقد کرد آورد و تمامی آن را با حساب شده ترین تاکتیک های مبارزاتی و معطوف به هر نوعی ترین هدف ها و منافع تعیین حلقه استحقاقات دشمن سازند.

دو مشکل و ضابطه مهمی از بسیاری جهات ضروریست های را بر جنبش تحمیل کرده که رژیم شاه - ساواک از آن سود فراوان می برد و در صورتی که این مسئله و در انواع کارشکنی های را محمول می دارد. اما با وجود این نقاط ضعف اساسی و شدت تهدید یک رژیم و محدودیت های آن، شرایط مسلحانه جهانی و گسترش بی سابقه دامنه نارضایتی ها و روی آوردن روزافزون اقشار و گروه های جدید به مبارزه علیه دیکتاتوری و چنانچه ابعاد پهنای و رفتاری دارد که زلزله در لرگان را در بر گرفته اند است. وقتی کار به رژیم رژیم شکسته به آنجا می کشد که مردم برای ساقط کردن آن با پشت و جبهه می کشند به تانک ها حمله می کنند و در برابر گلوله سینه سپر می کنند و بسا خون شهدای خود بر دیوارها شعارهای آزادی می نویسند در زیر کباب مرگ مسلسل ها به تختاهرات می بردارند، با انضباط یکپارچه و با شکر و خرد شهرهای بزرگ را کوچک راجت محمول می کنند و در آن حکومت کنندگان را پایان یافته باید شود. چنین شرایطی در همین حال بهترین فرصت را در اختیار سازمان ها و احزاب سیاسی شرقی می گذارد تا از تنش خلقی را در سطح خویش خنثی کنند و جراحات خویش را باز به بیاد می کشند که توده ها بر قامت آنها می کشند و بهوشانند. در همین حال زیر ضربات مد اوم و جنبشانه رژیم شاه و شرکاء نیروهای مختلف صنفی و سیاسی و اجتماعی ناگزیر به هم نزدیک تر می شوند. تا آنجا که به فرمان ضرورت گریز ناپذیر به هم گره بخورند. . . همین دروناست که هر روز جنبش تر و پخته تر می شود و رژیم جلا د ناچار در وانگ ها و کبرهای را که در واقع زده اند و متوجه وحشی و خصمی می کشد.

در حال حاضر با توجه به روند بی رفته واضح گردیده و جنبش و در نهادهای آن در خطر جدی است. باید در حساب ها و احتمالات منظور داشت: در ماه دهم ۱۳۵۷

بهران همه جانبه و صحتی که چون توفان و گردباد سپهر مارا در می نوردد و هر روز به اندازه چند ماه و هر ماه به اندازه چند سال آبیخته به گرایش و یکپارگی و جنبش خلقی راه پیش می برد و تحولات انقلابی را در این می زند. میا کردن و کنترل این جنبش عظیم و شدت یافته و حلا از عهد درلودسته دیکتاتوری و لایه های و مصلحتان آن خارج شده است به همین جهت رژیم گدیده درنده استبداد بسا در زنی که بر دیگر تشارت های جنبش می زند و آن را وسیع تر و قوی تر می کند و با هر تهدید مبارزان را جری توی سازد و با هر عقب نشینی - اگرچه ناچیز و سانسنتری - نیروهای دموکراتیک و دموکراسی و عدل سلطنت طلب را به پیشرو و تهاجم بیشتر تشویق می کند و با هر تهدید و چشم فروسه و در ندان گروه و خشم و عصیان توده ها را شعله و تر می سازد و در نهایت با هر تلاش سیاست و حرکت تازه بیشتر در با تلاق بی آمیدی که در آن افتاده و فریبی رود. در شاه و شرکاء در همین چند ماه اخیر صدها شهید و هزاران مجروح و اسیر و در پشت سرخیز باقی گذاشته و دانشگاه ها را تعطیل کرده و سران و شخصیت های مبارز آزاد پخوا را با حبس و محاکمات و اعدام ها با زنجیر و سوارباشان ساواکی به خاک و خون کشیده و پخته و زندگی آن هزاران کرده و به اعتراض و شورشگران و استادان دانشگاه ها، قضا و تکلیف ناکستی و هیئت های و مشورتهای و زینا و تضییع اموال و فراتر از این ها و به حرکت های ناشی از نارضایتی و نارضایتی و نوبت های کارگران و صنعتگران با توطئه و رعب و کله و زندان و زندان و زندان و صحنه آزار و اذیت جواب داده است. اما از این همه فشارات و ستم و سیه و دروغ و تشارت های جز انزوا میجوئی تر و جدی تر بیشتر از حد مست شوندگان و شعله و تر ساختن آتش مبارزه و اعتراض و برافشای بهره ای نگرفته به قبل معروف باد های کسه گاشته. توفان های سهمگین بهار آورده است. در حال حاضر جامعه ما عملاً به دراز و گاه به جوش و آتش ناپذیر تقسیم شده: از روی دیکتاتوری با محمل چپا و لنگران و لعینان امپریالیسم و فاسدترین و شورشترین عناصر و نیروهای اجتماعی و اردوی ضد دیکتاتوری که تمامی خلق را در پی خود می کشد. از این عناصر و اقشار طبقه حاکم را در مقابل خود به بی طرفی و بی اعتماد استانی موقی بر می انگیزد. در چنین موقعیتی مایا و رساله تأمل توجه رود و در دو رقم:

- ۱- شرایط عمومی و وجه تشریحی های ضد دیکتاتوری و از شرایط ذهنی آن بسیار جلوتر و پخته تر است. به این معنی که در متن مساعدترین و بدترین شرایط و نیروهای مختلف سیاسی هنوز نتوانسته اند در امر مبارزه حیاتی مشترک با استبداد مصلحتها شاهی و حده ترین بارگاه آن ساواک به بلاتوافقی اصولی و صلی بوسند. آنها در مقابل دشتاد و شش تنگت که هم در سنگر ضد استبدادند و وسیله از لحاظ سازمانی و انگیزه ها و هر دو از لحاظ اشتراک صنفی در زمینه های مورد توافق و جدی از یکدیگر. این تجربه نیروها و بزرگترین نقطه ضعف جنبش مهم ترین سبب است و رهبران و عناصر آگاه و دموکرات در مقابل آینده و با رزات خلق های ما در لغات سرخیز ساز کونی است.
- ۲- جنبش گسترده و واضح گرد توده ها حلقه تر از سازمان



پدر ما سید ۲۱ اردیبهشت روز زندانیان سیاسی

آنها که زنده اند

پدر ما سید ۲۱ اردیبهشت ماه روز شهادت خسرو روزه و روز زندانیان سیاسی ایران، در آرزو عقاب های شوریدگی است که در پروازهای بلند و آرمانی خود از قفس های بخوله های شاه سر در آورده اند. این که سالروز مرگ پهلوانی روزه و جوان روز زندانیان سیاسی از طرف خلق های ما تأیید شده و عالی از محبت نیست. خلق هاشمیر ابدی خود را در پای سنت ها می زند که از توده در رجاها و نوبت ها و صبر و امید آن ها شکفته باشد. و این معنی حدیث و سنتی است و ظهور نبرد و ایمان و سرودی که چون آزاد و مشهور و ادب و در افتخار است. اسیری کتوانان از جلا و خوش استعزاز همای رنج و سخت خویش به کلبای سرخ شوزا به روح های کود خیز به به بوسه های که در حله گدان ها خواست شکفت و لبخندی می زند برای تاریخ فتح های فردا، به شارت دهنده سپیده و بر ستون و سترگی که عاشقانه با مرگ نبرد تا آن زندگی را که در دست های خصم خلق پلاسیده شده به او پیشکش می کند و تحسیر کند. قهرمانی که تجسم مقاومت علیه ناپذیر و جسد بی پایان مردم است و مردم است. . . . مبارزان خلق هنگامی که قدم به زندانها و شکنجه گاهها می گذارند از زیر دروازه نامریزی می گذرند که نام روزه همین کلام مقدسی از آن می نرود و طنین می اندازد. در این نام نیرو الهی پیخته است که به مبارزان و عاشقان آزادی می بخشد و حرارت و پایداری می بخشد. حدای پاک و نافذ روزه و مردای آن آخوگی است که از قفس اراتی جوقه زد:

سین تمام نمی شوم. تاریخی شاهانه این کارزار گلگون پشت نکرده ایم و من هستم. . . تا وقتی جان ها در زندان ها و شکنجه گاهها نوبی می شوند من هستم. . . .
و در این پیام رومی است که مبارزان آن را در می یابند، چرا که بزودی از آن راد روی خود احساس می کنند. این هم کسب کار زنده ها هر تراست؟
د ماه در صدمه ۳

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!

حکومت نظامی در تهران

رژیم تظاهرات مردم اهواز

رابه خون کشید

صد ها تن از مردم اهواز سه شبه شب هفته گذشته به یاد شهید ای تم با شعله های خد استند از گردنهایشان های شیره راه افتادند و تظاهرات اعتراضی پرشوری بر پا داشتند . پلیس که مجهز به انواع وسایل سرکوبی بود برهه راه بر این اعتراضات صالمت حیوان مردم بهت و ابتدا با باتوم و سپس با گلوله راهشان را سد کرد . در تیراندازی پلیس سهوی تظاهر کننده گان اهوازی و ده ها تن مجروح شدند و بخانه و خون افتادند . هنوز از تعداد دقیق مجروحین و احتمالاً کشته شده گان اطلاع در دست نیست . بدنیان این حادثه روز چهارشنبه در دانشگاه جندی شاپور و بازار و مغازه های واقع در خیابان های اهواز تعطیل شد .

تظاهرات آزاد بخوانه مردم شهر رابه آشوب بی کشید . کار سرکوب دانشجو یان آزاد بخوانه تهرانی به نظامیان واگذار شد که نمونه بارز آن حظه افراد ارتش به دانشجو یان دانشگاه تهران بود .

شاه شخصاً رهبری ارتش را بر بی خون کشیدن تظاهرات مردم در هفته گذشته به عهده داشت . او برای این کار ریز سوم گلوله باران مردم تم حتی طلاات ها ی از قبل تعیین شده ریزنه تا اثری هم نماند و با بی سیم مخصوص عملیات ارتش را برای سرکوب مردم به عهده گرفت . در این ریز تنها آخوندان های نظامی و فرماندهان ارتش اجازه تماس با شاه را داشتند .

حرف های عمال شاه رابه سحر بی کرد و برای هر توطئه ای که رژیم می چید پاسخ دندان شکن دارد . در هفته گذشته هزاران مغازه تهران برای اعتراض به کشتار مردم بی سلاح و آزاده در قم ، شروز ، تبریز ، کازرون و ... تعطیل بود . در سومین ریز شل نام مردم تم نه تنها بازار تهران به طور یکباره تعطیل شد ، بلکه هزاران مغازه در جنوب و مرکز شهر باز شدند . مردم در اطراف بازار تهران محاصره سربازان و افراد کلرد شهبانی را طس رزم تیراندازهای مکرر شکنجند و با تفنگ در برگ بر شاه محلات تهران را بستند سرگد اشتند . در این ریز ده ها تهرانی در اثر اصابت گلوله در خون خروش غلطیدند . تعطیل بازار و مغازه ها گاه به طور دسته جمعی و گاه به طور پراکنده در تمام طول هفته گذشته ادامه یافت . مردم با انتصاب همگانی به دانشجویان ایران اعتراض کردند .

رژیم برای کشاندن تظاهرات و اعتراض های مردم به استنشاق و توجیه مستقر کردن ارتش در شهر و گلوله بستن آزاد بخوانه و شاهبخت متعدد در باره آتش زدن انوسیل ها و میخازه ها پیشگردد . در ریز این شاهبخت رژیم توطئه دیگری هم سازمان داد . با ترساندن مردم در نتیجه خوف ماندن هزاران انوسیل در حاشیه خیابان ها ، پارکینگ ها ، کویچه ها و خانه ها این امکان را برای خویش به وجود آورد که توپ و ماکت رابه راحتی در حاشیا های شهر که در روزهای معمولی سطلوار انوسیل مانده در : انبیک استبه حرکت در آورد . ریز به این ترتیب از طرفی استقرار نیروهای ارتش را در شهر آسان ساخت و از طرف دیگر مردم را ترساند و این چنین وانمود کرد که

در تهران حکومت نظامی برقرار است . اگرچه رژیم شاه - ساواک رسماً اعلام نکرده اما سرکوب و حشمانه خلو به خشم آمده عمل به ارتش سیرده شده است . با کوچک ترین بهانه رزه یوشها در ده ها نقطه تهران مستقر می شوند . توپ و تانک و زرهیوشها بر وسایل و خیابان بی آیند و برای کشتار جمعی مردم آزاد بخوانه آماده می شوند . سربازهای گارد شاهنشاهی در هفته اخیر بارها با آرایش جنگی در خیابان های تهران مستقر شدند و تهران رابه شکل شهری جنگ زده در آوردند . مقرات حکومت نظامی مانند ده ها شهر دیگر ایران در تهران برقرار است . حتی بر اساس گزارش ها و رسیده از درین ارتش ، فرماندهان به دستور مستقیم شاه برای سرکوب مردم فرمان بخشنامه صادر می کنند . محدودیت رفت و آمد ابعاد می کنند و هشتاد از نظامی می دهند .

در ده ها شهر دیگر ایران از جمله قم ، اهواز ، تبریز ، شروز و اصفهان و ... نیز مانند تهران ارتش حاکم مطلق است و دستور صریح نظ ند از ریز طرف شاه در خیابان ها مستقر شده است . شاه برای ملابرد ها دلار اسلحه های که طی سال های گذشته خریده هدی دلخواه پیدا کرده است : سینه شریف آزاد بخوانه ، انطلی رژیم تمام این نمایش ها و جنگ و دندان نشان دادن ها که چاشنی همه آن ها خون پاک خلقهای قهرمان ایران است مردم در ده ها شهر بزرگ و کوچک با پشت ها مکرر کرده فریاد می کشند : یارک با آزادی ، مرگ بر این رژیم فاشیستی ، جلا نکت باد ... خلق به با خاسته دیگر تن به اختناق نمی دهد . مرگ

خون خجالی نیز میری باشند که امکان هجوم وسیع و نافذگرانه و ناگهانی و خونین رژیم جلا داد وجود ندارد . ازهم گسلا باید ترتیب مبارزه و سازماندهی مبارزان به شکل انسام کرد که بورژوازیهای گرازی های شاه و دستگیری و طرح قتل عناصر آزادی بخوانه و رهبران و ارشاد کنندگان و ایجاد یک فضای اعتقادی و ملیتی شدید و نتواند ضربه مهلکی به جنبش وارد سازد . سازمان ها و کانون های مبارزه باید با پیش بینی بیرون ناگهانی بهم برنامه کار خود را تنظیم کنند و همه احتمالات را رعایت نمایند و با انعطاف و آمادگی لازم قدرت و ظرفیت تغییر شیوه و تاکتیک مبارزه را برای خود تدارک ببینند . آنچه در شرایط موجود بهترین سیر در برابر یک چنین حمله اعتقادی و ناگهانی است اتحاد عمل هرچه بیشتر و هرچه آگاهانه تر نیروهای ضد دیکتاتوری است . فراموش نکنیم این پیام نغز و دلنشینانه "لینن کبیر راگه :

"بهترین راه دشمن زورست در از خویش تنها در صورتی میسر خواهد بود که حد اقلی نیرو به کار رود ، ازهر شکافی میان دشمنان هرانداز هم کوچک باشد ... و ازهر امکانی و هر چه ناچیز ، برای به دست آوردن ضد توده ای حتی ضمد حوقت مردم ، ناپایداری ، مشکوک و مشروط و محتاط با نهایت دقت و مراقبت و احتیاط و صبر است ، استفاده شود ..."

که در باها خون آن را از مردم جدا می کند ، عملاً به معنسی بیو شدن به حبسه شد خلق و انزوی حش است . چنین اتلاف صوری ، هیچ امید و دورتانی ندارد . تنها داع ننگ رژیم را بر پیشانی آنها نیز نغزی زنده و این هب سوطانی را در دیگر آتیا به کار می اندازد .

۲- خطر هجوم ناگهانی و گسترده رژیم . مار زخم خورده خطر ناک است . آج گوری جنبش رژیم رژیم شد طوطی استبدادی شاه را نصیب تر و در ناک تر می سازد و گل میجوید آن را تبه بد می کشد . از این رو مبارزان با شناخت خصلت واقعی و طبقاتی شاه و لغوان و انضارش ، هرگز نورالت و جنایت و تبه و درندگی را از جانب او نباید در حد نظر داشته باشند . رهی که بارها ثابت کرده اگر خود را در خطر جدی ببیند ، از هیچ ضاوت و وسواس و خونریزی و روگردان نیست ، رژیم که پایه های آن روی گویستان شریف ترین و دنیوتترین فرزندان خلق های ما استوار است ، رژیم که خاطره کشتار ها و جنایات وحش آن از جنبش آذربایجان و کردستان ، تاجریان کودتای امیرالمحتدی ۲۸ مرد ارد و کشتار اخیر مردم در قم و تبریز و کاشان و همدان و گلزین و تهران و دیگر شهرها ، از ایساک بختک خونخوار ، یک هیولای ساخته شده از خون و هفت زشت و برگ و جسم می دهد ، از آن باکی ندارد که برای بقای خود رنگ و روحانی میبیم مارا با خون وطن پرستان گلگردد . کد و شهرها را به گویستان های صوری بدل سازد . مبارزان بی آن که دچار بیم پادلسودی شوند ، باید از این

هشتاد ار به مبارزان . . .

۱- امکان ساخت و باکت رژیم با عناصر مردم و نیروها منزلت تر جنبش ضد دیکتاتوری .
۲- روزه ها و شرکا می گوشت حتی الله و عرف نشینند و امتیاز ندهند . ابر آست تا باقی الوقت به صد اقی از این دنده به آن رنده فرج است ، اوضاع را کشیده و از فرصت های ضعیفی که در جریان این وقت گسی ها و در کمین نشستن های دست می آورد ، برای درهم شکستن مخالفان و فرجه زدن به جنبش صوری خلق استفاده کند . اما فشار توده ها و نیروی مبارزه تمام در حال رشد است و این رشد آن قدر ادامه می یابد که رژیم را برای حفظ مواضع حش و سیاسی تر به تن دادن به برخی امتیازها و عقب نشینی ها وامی دارد . اینجاست که رژیم به سوی نیروها و عناصر ناپایداری تر جنبش ضد استبدادی دست دراز می کند تا با آسختن با آنها از یکسو خون و نیروی حیاتی تازه ای به کالبد تقاضا کند و سوس خود تریز کند و از دیگر سوس درجه به مخالفان خونخوار و اختلاف ببندد . مبارزه با عناصر و نیرو های مردم ، سازشکار و فرصت طلب و افشای هر چه بیشتر آنها می کند امید با وسوس سازش با رژیم شد بلی و همه دیوگر تانک و ازین بین فاسد شاه - ساواک را دارند ، هر ترین وظیفه مبارزان است . به عناصر مشکوک ، معامله کرد و ترسان کنی که درین جنبش رخفته کرده اند ، باید با د آوری کرد که هر نوع سازش و معامله و بیوند با رژیم موجود

بیاموزیم | افشا کنیم | سازمان دهیم
برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

نبرد اعتصابی در کارخانه ایران یاسا

حاصل می شود به ما خبر نمی کردند .
 مسئولان کارخانه ایران یاسا مظاهرانه و صالو صانه
 مدعی می شوند که حدودی در کار نیست تا بهین کارگران تقصیر
 شود . و این ادعای دروغین که مثل دروغ های شاهانه از
 آژان بی نظیر و بی نظیب می آید ، از حیثیت وزارت کار
 نیز برخوردار است . کارگران ایران یاسا پس از سه تلاش
 که برای احقاقی حقوق مسلم خود به گریز نهند و جز پاسخ ضعیف
 نشنیدند و سرانجام مبارزه اعتصابی را برگیرند . از سرانجام
 این نبرد یکپارچه هنوز اطلاعی نداریم ، در مسلم این که
 بیش از ۶۰ نفر کارگران کارخانه ایران یاسا سرکسوه
 که اذیت این نبرد ضعیف به امکانات وسیع مبارزاتی خود و
 راهپاوشی و های وطنی برای تحقق هدف های غرضی
 دست می یابند .

بدین خواست های حق خود وارد شدند . آن ها می گویند
 در حالی که زحمت و کمر بر شفت ما بر این خودمان آن قدر
 بهره نداشتند که بتوانیم ساده ترین و گشت آهترین زندگی را
 برای خانواده غرضتین تا بهین فراهم کنیم ، در حالی که از لحاظ تا بهین
 مسکن و خورد و خوراک و پوشاک و مضرترین و خطرناک ترین
 وضع را تحمل می کنیم ، و اگر فرما از قبل رنج و کمر ما ثروت های
 کلان می آید و ... چرا و سپهنا چیزی از خدمتی که از کار سا

کارگران کارخانه لاستیک سازی ایران یاد - واقع
 در جاده شهید (محل شاپورین) - به عنوان اعتراض به
 عدم پرداخت سود بزرگ سالانه از طرف کارخانه از روز
 چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند .
 عده ای از کارگران اعتصابی هر روز صبح در برابر کارخانه
 اجتماع می کنند و به اشکال مختلف می گویند تا کارفرما را به

آنها که زندگانند

زندانیان که از آنها بخبردار شدیم ، می گویند که
 در محاصره تنگ ها و سلسله ها یافتند . زندانیان
 گفت :
 - خانه نگاری داریم ، باید به بند های محاصره
 برویم .
 - حیوانات را بریدند که :
 - دلی چرا با بندید سوزید و کوله ؟
 زندانیان لیکنند . در این نیند محصور شدیم
 چرا می زند .
 - می خواهید مقاومت کنید ؟
 از این سوال تحریک شده بودی استیجاب و نظیر می آید
 همه و دانستند که زندانیان بدبخت در انتظار احاطه
 مناسب است تا هر سربازی تن آن ها بریزد . او با خط
 نشان کشیده بود و بارها قافیه را باخته بود . حال فرصت
 مناسبی را در چنگ داشت .
 فضای زندان سوزان سرشار از ترس و جریک بود ، آن
 غرو خفا و مباحثی که دلبری این بیش از هر چه بود
 اما آن روز همه غلام کرده بودند . - همان نیمه نارسیک
 تنگ ها ، بخشی نمی کردند .
 زندانیان تسلیم بلا مشروطی خواست . او زندانیان
 های نیز و زهر آکنده را در گلی این کت های جنون
 فروریزد و خیال می کرد با یک حرکت آنها را در هم
 می شکند . در این لحظه هیچ ای در میان زندانیان
 ولول انداخت :

همه زندانیهای کشور را بگریزند . . .
 باز هم جدا . . . صدها های که خاطر و تصویر
 و شبح و شبخون است . صدای هوشنگ نیز می در آن روز
 دم کرده ۲۸ مرداد ۱۳۵۰ .
 آن روز زندانیان ها و دشمنان به شکرانه پیروزی حمله
 بر مردم و نقل و شوری بین زندانیان تقصیر می کردند .
 وقتی در سلول هوشنگ را گشودند ، جمیع نقل را بر سر
 زندانیان کوفت و پاره های زندان را به لری در آورد :
 - من برای شستن تنگ چنین رفتی است که به زندان
 آمده ام . شوی جن ۲۸ مرداد فقط به درد شاه و
 شعبان می بخ می خورد . . .
 در غمیان به نیت او را به نیز تا بهین گرفتند . گفتند :
 - تا نگوی فقط کردم ، تا بهین می خوری .
 پس از ده ها فریاد و درنگ و منتظر پاسخ این قهرمان
 توده ای ایستادند . هوشنگ توی چشمش نشان زد
 و گفت :
 - من میگویم ، یک کمیست هیچ وقت نمی گوید
 غلط کردم .
 در ده ها فریاد دیگر با کابل بر پاها پشت او گرفتند .
 فایده نداشت . در غم گفت :
 - گوی کمیست نیست و حانت را ملاحظه کن .
 - هستم . . . این تنها چیزی است که تو توانی از من
 بگیری .
 و باز هم فریاد تا بهین . . .
 سرانجام حسته شدند . هوشنگ لنگ نشان به سوی
 سلول خود بازگشت . در آستانه ششم گاه منزل طبعه
 برگشت ، با لیکن و نیمه سران را نشان کرد و گفت :
 - روزهای جشن شما روزهای عزای مردم است . این
 را از آموزش بگیرد .

هر زندانی سیاسی و نظیر یک نبرد است . و مسود
 هزاران زندانی سیاسی در ایران از دست و طاعت یکبار
 جانانه ای که بین خلق های تسخیر ناپذیر ما و مسود
 گشتگان آنها در گرو است ، بخر می دهد . اما زندان
 خود میدان جنگ سبکی تر است . در این میدان
 هزاران فاجعه و سخت و حماسه مردم در شرف ظهور
 است . هزاران سرود و فریاد خونین از ارتفاع آرزو
 مجروح و دماغ و درفش خورده به صدا می آید و در تار و پود
 که اتقانی افتاده ، اما هنوز نوشته نند ، جاری می شود .
 این تاریخ معانیت و خلق است که از تاریخ های سه کشیده
 و سرخاب و دروغ مالدیه ، نتاج های گذشته به بلا و خون
 جداست . در هر دره این تاریخ مایه های غلبه می نهد .
 از طبقه کار و نایب حمید و عواطفی و از طبقه ریزه نایب شهید
 که هنوز سرخاک نینداده است .
 ۱۱ اردیبهشت رفتی است که در صحن ماملین ها
 قلب مملین ها در پیچه به روی این تاریخ زنده و جاری
 می کشاید . گوش کنید . . . از هر یک از این پیچه ها آواز
 های رزم و سخن و خاطره می آید . این صدای عشق و دلبری
 صدای مقاومت خلق ماست ، صدای زنجیر ها و زندانیان است .
 صدای روزنه است که می گوید :
 - تنها می روم و بتا در مملین ها شکوفه و نیز در برگ
 . . .
 صدای گمرخی است که می خواند :
 - مگر مولوی و بابک مرده اند که ما هم می ؟
 صدای های بیرون کوی است که از زندان این نایب
 اسطوره نغ می زند :
 - زندان و دلیل زنده بودن ماست ، ما مرده هاست
 که کاری ندارند . . .
 صدای پار شدن رگهای کردن " ترنگ است صدای
 خون ما شقا نه ترنگ است و در آن دم که با شیشه شکسته
 ای که رسوده بود ، می خواست سر این خود جدا کند
 تا آنچه را که در غم از او طلب می کرد و نگوید .
 صدای سیلی زندانیان است بر گونه های خاوری
 در آن روز که خنجر فریاد او در پاسخ نداشت طلبی
 زندانیان در محاصره زندان قصر قلب همسوزنجران او را
 نیروی انسانی ابدی تسخیر کرده بود :
 - آجازه می دهیم به ما همین کنید . ما بیجان
 نیستیم و سر فراتیم ، از عقیده خود سرفرازیم . . .
 جناب سرهنگ ، من زندانی سیاسی ام . افتخار
 می کشم توده ای ام . به خاطر ما مردم بودن
 زندانی شما هستیم به خاطر مردم بودن
 توده ای خواهیم مرد . لطفا به ما نه نیست
 تزیید .
 و باز صداهای دیگر ... سرود حماسه پایداری صدای
 صفر قهرمانی :
 - ۳۱ سال صبر کردم ، باز هم صبر می کنم . . . آن
 قدر می مانم تا مرزندان واقعی ایران در های زندان من و

.. آدمای جوری . . . هر چه او بگوید . . .
 و در در میان اینها متراکم زندانیان بازند . مردی
 چو یک پشت کرده کرده و در آستانهای صف ایستاده بود .
 تنگت ها آرام به سوی او برگشت .
 حوری نگاهش را که رده و بری در آن می درخشید به
 همه زندانیان پرتاب کرد :
 - اگر می خواهید مرا نفعر کنید ، با نفعر ما
 دورو خواهد شد . پاسخ غنچه های شام و شت های
 کره کرده ماست . انتظار نداشته باشیم که لفلان جنک
 شمارا با لیکن خواهد هم . آیا می خواهید از روی حسد
 های غرض در خون ما بگذرید ؟
 رنگ از روی زندانیان پرید . انتظار این هجوم و
 فوار دلبری بی باکی را نداشت . کلمات حوری چون
 شقایق در دل و جبهه زندانیان شکفته بود . بر ای
 زندانیان هیچ کوره راهی جز عقب نشینی با زنبود .
 یا دستاخی گفت :
 - ضد اهانتی نیست " سو " نهای پیش آمده . . .
 زندانیان سینه های شان را با سر مست و روانگی حوری
 دادند . شیر توده ای پیشانی زندانیان دیر تنگت ها
 و سلسله ها را بر زده و راه خود را گشود . . .

و بیکره ها و زنده و جراحی و نهد ای بنده خلس
 ددان ما انصراف توده ای . . .
 - نفره سایدگی . . . نفر . در پت - سر هر یک از
 آن ها صی لیبلی از شهید او مهربانان ایستاده اند .
 " آه آه " آنها را ز پیو پیران " خوانده است اما آنها
 بی نمی شوند . آنها را دلای مردم بتاریخ
 اندی اند . مگر آن که وقتی از ما تلنوک می پرسند :
 - چرا عورت را تلای می کنی ؟ ما معذرت می خواهیم
 شو رو . . .
 قهرمان توده ای با لیکن استیجاب گفت :
 - مری که در سارو نندرد و تلف نمی شود . این
 نشاید که یک معذرت دست و پستی به من و رفقا تم
 بد حکایت .
 شتر سرباز ، با صبا ، ارتش که شکست خورد ، با ما
 معلوم شد :
 حوری ، در آن لصر و کوشن با فرزاد ، سوسو و
 تلنوک . . .
 وجه کسی است که آن روز بهاری سال ۱۳۵۰ زندان
 سوزان را فراموش کرد .

هر زندانی . . .
 ۱۱ اردیبهشت ماه هر سال مملین ها با در محاصره ای
 شو را نگیز دلبری و رزم این داستان ها ، جبهه و واقعه
 خود را می بینند . ۲۹ اردیبهشت روز خاطره های
 رزم و وقاداری و مقاومت است .

هر زندانی . . .
 ۱۱ اردیبهشت ماه هر سال مملین ها با در محاصره ای
 شو را نگیز دلبری و رزم این داستان ها ، جبهه و واقعه
 خود را می بینند . ۲۹ اردیبهشت روز خاطره های
 رزم و وقاداری و مقاومت است .

هر زندانی . . .
 ۱۱ اردیبهشت ماه هر سال مملین ها با در محاصره ای
 شو را نگیز دلبری و رزم این داستان ها ، جبهه و واقعه
 خود را می بینند . ۲۹ اردیبهشت روز خاطره های
 رزم و وقاداری و مقاومت است .

هر زندانی . . .
 ۱۱ اردیبهشت ماه هر سال مملین ها با در محاصره ای
 شو را نگیز دلبری و رزم این داستان ها ، جبهه و واقعه
 خود را می بینند . ۲۹ اردیبهشت روز خاطره های
 رزم و وقاداری و مقاومت است .

در دانشگاهها چه میگذرد؟

فراپادهای افتراضی چون جویباری شود راه رود خروشان خشم خلق طبعه اشتبه ادیبان کاکلی بر رسانند رنج و صبران جلدین ها کارگرد هفتان زمتکش ابران در کوی هزاران دانشجو ی آزاد بخواد فریاد می شود و مشت کوه شده زمتکشان خواب گرام خوش نشینان جزیره شبات آبرامی راهپیشان کرده است. مشت های کوه شده بگذر را می بایند تا چون پتکی فرود آید. این آخرین حربه است. تمام توان خلق باید در آن جمع شود. سرگ استبداد از بیدار است.

امواج خشم افتراضی علیه اقدامات ضد فرهنگی و سیاست کلیه و جمان و باقوم و دسمه های رنگارنگ رژیم شاهسواک دانشگاههای کشور را مراکز است. در این اعتراض های حتم آکین استاد و دانشجو در کنار هم دست در دست بکند بگر شرکت دارند. صدها استاد شریف دانشگاههای ایران با صدور قطعنامه های افشاگرانه رسامه های افتراضی در کنار هزاران دانشجو ی آزاد بخواد به مبارزه علیه رژیم پهلوی و احتیاج آبرامی بر خاسته اند

نگارید دانشگاه صنعتی تهران را منحل کنند

سیاست ارباب و حد بی انعام ی کورد. بدین معنی که کومت پس ازوار. آر رین فشارهای داخلی از طوبسوق با بروت دانشگاه مد درت به فرخواستند افراده دانشگاه های افتضی و سپهر. تبعید تعدادی از اعضای کادر آموزشی به موسسه... بگری کند. نظیر چنین عملیاتی (سیاست ارباب و صمیم) در موسسات آموزشی مشابه... به رژیم با موفقیت همراه بوده است.

با بدی صمی تر به اثرات فعالیت دانشگاه صنعتی آبرامی بر جامعه ایران در طول حیات کوتاه خود و شناخت در ستانها و ترم های وابسته به آسانی می توان به این حقیقت پرد که در این گونه نظامها هنرهای که در تضاد با شایع هیات حاکمه داخلی و حامیان خارجی آن عمل کنند بی بااست در انتظار عکس العمل های نظیر آنچه که در فور اشاره رفت باشد.

در شرایط کنونی ایران که هیات حاکمه به بهانه کسب و شخص و به نام توسعه اقتصادی کشور گسترش صنایع مونتاژ و توسعه اقتصاد دلالی رشد سرطانی بخش خدمات) صدها هزار نفر از اتباع فلیپین، کره، ژاپلنده، اسرائیل، آلمان، فرانسه، انگلستان، آمریکا و غیره راه قیمت ناروا صاحب ملی به کار می گرد و صدها هزار نفر از اوطلیان، برود به آموزش عالی را در بخت درهای دانشگاه ها ازاد استحصیل محروم می کند و متجاوزان صد هزار نفر جوان ایرانی را برای ادا تحصیل ناگزیر به روی آورده به سه دانشگاه های خارجی می نماید. انحلال دانشگاه صنعتی آبرامی کادارگی کامل برای پذیرش حداقل هزار اوطلب تحصیلت دانشگاهی مصطلح با موسسات آموزشی بین الطلی را در اختیارشته شایع ملت ایران و در جهت خدمت به شایع بهکانتان است.

صوم طلسنان : آنچه که این روزها بر تارکنا دانشگاه صنعتی آبرامی بالاصح و جامعه دانشگاهی ایران بالاعم می گذرد دستوری جدیدی به شایع ملت ایران به نام عموم وظائف دانش آموزان دانشجویمان و معلمین و کارکنان دانشگاهها به طور خصوصی است.

در این مهم شایسته است که با ابعانی واضح به عقابیت حرکت های اضمیل خواستاران استقلال و بزرگی وطن عزیزمان با اتحاد و همبستگی توسط هارانتن بر آب نوده و از انحلال دانشگاه صنعتی آبرامی جلوگیری کنیم. جلدو گرویز انحلال دانشگاه صنعتی آبرامی تنها باید بسترش دانشجو در آزمون هنگامی کنونی امکان پذیر است. ادا به فعالیت آموزشی دانشگاه صنعتی آبرامی در تهران به معنی پذیرش سالانه حداقل هزار اوطلب نشنه پرود به آموزش عالی است.

امکان ادا این خدمت راه کارکنان دانشگاه صنعتی آبرامی در تهران به عهد

نمودند و با تشکل در سازمان صنعتی هم خود را صوری ایجاد محیطی سالم و بی با به منظور فراهم آوردن زمینه های مساعد برای تربیت نسلی ضربه به حال کشور کردند... کارکنان دانشگاه ضمن تشکل در سازمان صنفی خود به منظور تامین حقوق مادی و معنوی در عین حال

نی توانستند نسبت به تعدیات و پایمال کردن حقوق انسانی اعضای جامعه دانشگاهی (دانشجو کارکنان) بی تفاوت بمانند. کارکنان دانشگاه بارها عدم رعایت خود را ازاد کرده گرفتن و نشو آتین نامه ها و مقررات دانشگاهی و سلطی و اضمیل خلی قانون دستگاه پلیس مانند حضور گارد بیوش ماورای صلح و ضرب و جرح افراد به صورت افتراضی و تصاحب نشان داده اند... "باتوجه به مطالب فوق ادا به فعالیت دانشگاه صنعتی آبرامی از وضعیت ضایر با اهدای و دیدگاه های حکومتی ایران است. یکی به دلیل وجود متوسطی مناسب و آینده نگر برای پرورش افرادی که استقلال و بی تباری جامعه را در زمینه های فنی و اقتصادی خواستارند (مقاومت در برابر استعمار سلطنت و دیگری تشکل و همبستگی ایرانی که در تحقق خواست های دموکراتیکه را دنبال می کنند) (مقاومت در برابر خودکامی) .

در بد و ام چنین به نظر می رسد که هیات حاکمه به منظور در هم شکستن تشکل گروهی کارکنان دانشگاه خود را ناگزیر به انحلال دانشگاه صنعتی آبرامی می بیند لذا به منظور توجیه عمل خود در افواه عموم چنین شایع می کند که دانشگاه صنعتی آبرامی به اضمیل و تنقل می گردد. در صورتی که در اضمیل دانشگاهی جدا گانه با کادری که قبلا زمینه آن مستقر از کارکنان دانشگاه صنعتی آبرامی در تهران از طریق هیات حاکمه فراهم شده بود تاسیس گردید است و تنها وجه اشتراک این دو موسسه آموزشی نام آن دو می باشد.

به دنبال انحلال دانشگاه صنعتی آبرامی در تهران امکانات و سبل آن را نیز به دانشگاه علوم و فنیسن ارتش واگذار خواهند کرد. واگذاری امکانات و محصل دانشگاه صنعتی آبرامی مهر تهران به ارتش و منظور را از دیدگاه هیات حاکمه تامین می کند.

اول آن که برای فرار از بزم خواب کردن مسجدی به بهانه ساختن مسجدی دیگر نامتاسات و امکانات دانشگاه را بلا استفاده نین گذارد و دوم آن کتصبت مقررات و ضوابط نظامی امکان هرگونه پیمان و استقلال عمل را که لازمه یک صمیمت سابقین است صلا در محیط نظامی در نطفه خفه می کند. این هر دو عمل نظر دستگاه رابری جلوگیری از تشکل گروهی افراد بر آورده می کند و در صورت موفقیت از بدگاه رژیم الکوی دانشگاه نظامی به سایر موسسات آموزشی تصمیم داده خواهد شد.

لازم به با. آوری است که تصمیم به انحلال دانشگاه صنعتی پس از عدم موفقیت هیات حاکمه در اضمیل

هیئت علمی دانشگاه صنعتی تهران در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه طی نامه ای خطاب به نخست وزیر نسبت به تصمیم دولت مبنی بر "انحلال این دانشگاه در تهران نمیتوان انتقال به اضمیل" اعتراض کرده و خاطر نشان ساختند که :

"باتوجه به نگرانی های نسل جوانی که پشت در دانشگاههای ایران ماند ما است و باتوجه به سرمایه ای که این نسل برای ادا تحصیل هه ساله به خارج از کشور می برد و بالاخره باتوجه به اوضاع و احوالی که در نواحی از فرهنگ ملی و ایجاد تکیه روی ملی وظیفه فرد ملت ایران است، انحلال دستگاه شکر فای که به ما می باروی خود رسیده است صلا هرگز نمی تواند بود تا بد جامعه دانشگاهی قرار گیرد و با صانع احتمالی... اقتصادی منطبق باشد." این نامه را ۱۳۳ تن از اعضاء هیئت علمی دانشگاه تهران امضاء کرده بودند.

پیش از آن... یعنی در تاریخ یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه مجمع عمومی کادر آموزشی این دانشگاه با اکثریت قاطع قطعنامه زیر را تصویب کرده بود :

"با توجه به سباز سهم سلطنت به کادری فنی منضم کثرت را و طلیان روید به دانشگاهها، به اذکرات ضل و طولانی با مقامات مسئول و نامه امیر کادر آموزشی به جناب آقای نخست وزیر و صوره صوح ۲۷/۲/۲ شورای دانشگاه در مورد اعلام آمادگی پذیرش حداقل ۷۰۰ دانشجو برای مهرماه سال جاری در پردیسه تهرانی :

کادر آموزشی دانشگاه صنعتی آبرامی تهران از تاریخ یکشنبه ۱۷/۲/۳۷ تا اعلام رسمی گزینش دانشجو برای پردیسه تهران در رسامه های گروهی کشور و ازاد است فعالیت آموزشی خود را می خواهد نمود." این قطعنامه مورد پشتیبانی کامل دانشجویمان قرار گرفت و آنها نیز طی قطعنامه ای به پشتیبانی از این خواست مادلان و وطنی کلاس هارا محروم کردند.

هیئت علمی کارکنان دانشگاه صنعتی تهران سپس طی اعلامیه ای ضمن تشریح موقعیت محاسن و بر اهمیت این دانشگاه در حیات دانشگاهی فرهنگی کشور و توسط های خدمت ملی رژیم در جلوگیری حرکت اضمیل و تشکل ملی این دانشگاه خاطر نشان ساختند :

"بانگاهی اضمالی به تباری چه فعالیت دانشگاه صنعتی آبرامی در بی باهم که فعال فشارهای مادی و معنوی ناشی از بدایش جامعه صری تحت سلطه رژیم وابسته کارکنان این دانشگاه راه عنوان بخشی از ملت ایران بر سر دوراهی تصمیم عمل قرار داده بود. این جامعه کوچک صلا به است تباری از اوضاع و احوال سیاسی اقتصادی کشور به صورت عاقل بلا ادا اجرای برنامه های عریبی حکومت در آید و بار مالیات خود را در خدمت به سلطنت و همجنسین تامین حقوق مادی و معنوی خویش به انعام رساند. کارکنان دانشگاه ملی رغم نظرات عاقل محضی راه دوم را انتخاب

رژیم سیاه و شقایق های سرخ

چهار دانشجوی دانشگاه تبریز

در حمله گرازهای رژیم شهید شدند

شقایق یکبار دیگر روی سینه در همپا دانشجویان تبریز دانشگاه تبریز کشیدند. رکهار گوله هادی دانشگاه تبریز یک ماه دیگر حاضر نمیگردد. تبریز و تبریزگردید. چهار دانشجوی این دانشگاه به صف معیول شهید ای راه آزادی ایران پیوستند و در حمله زلزله دانشجوی تبریز در خون غلبه مطبقه در حمله زلزله به دانشجویان دانشگاه تبریز به ترازه پهنی در همپا دانشجوی تبریز در محیط دانشگاه هر کس را که میخواستند در اسیر کنند به فریب شعور شاه و دستگیر کردند و از تبریز روانه تهران کردند که در آنجا با مسئولان دانشگاه تبریز (ارتشبد نهفت) که در آنجا مسئولان دانشگاه تبریز حضور دارند و حکومت نظامی و ارتش با همپا دانشجویان تبریز در صحنه صورت گرفت. این حمله بعدی رژیم سیاه همان حمله ای بود که در آنجا از دانشجویان دانشگاه تبریز به ترازه پهنی و محسوس

خواست های زیر را انتشار دارند:

- ۱- اعمال خشونت به هر عنوان در دانشگاه محکوم است و کار و مأموران انتظامی به استناد تعسار است. اگر شده همیشه موجب تحریک دانشجویان و ضرر به برودت و خشونت بوده است. لذا خروج از عدم دخالت مأموران انتظامی در دانشگاه ضروری است.
- ۲- آزادی مجرمین و دستگیر شدن حادثه اخیر دانشگاه تبریز تعارض است.
- ۳- در صورتی که در اثر حوادث مذکور شرایط پس پیش آید که در نیم سال تحصیلی جاری منقطع شود، از اجرای مقررات انضامی (مجموعه و احتساب صف هر برای واحد های انتخاب شده) خودداری شود.
- ۴- معرفی و مسافره علی مأموران منتخبی که این حادثه را پلر آورده اند.
- ۵- اسب قطعه بود تصور می شود که هرگز نظر از استادان و کادران دانشگاه تبریز گرفته است.
- ۶- طبق گزارش دانشجویان دانشگاه تبریز و شرکت کنندگان این اجتماع پس از تصویب قطعنامه به مدت یک ساعت در محوطه دانشگاه تبریز، دانشگاه تبریز را محاصره کرده و در این حمله به اربابان و علوم تبریز و حقوق بهایارستان و بیمارستان به نام دانشگاه تبریز که در روز دوشنبه جان خود را از دست دادند مدت یک ساعت و نیم در محاصره شدند.

اعلامیه و تظاهرات پرشور دانشجویان دانشگاه تهران

دانشجویان دانشگاه تهران طی اعلامیه ای پرده از روی سپهری از حقایق پنهان در دانشگاه تهران که رژیم در برآورد آن ها ماسکوت را برپا کرده است برداشتند. در این اعلامیه آمده است:
 علی رقم تبلیغات و وسائل ارتباط جمعی صفت بود این آزادی های بیشتر به دانشگاه ها و مدارس و دانشجویان دانشگاه تهران از آغاز سال تحصیلی شاهد اعمال صدها قانونی و تشدید اختناق در محیط دانشگاه و سپهر علوم ماهیت خواست ها و اعمال دانشجویان به وسیله مقامات بوده ام. پس از اعلام محرومیت ۱۰۰ تن از دانشجویان به مدت یک تا سه ترم در ترازه کشته و ثبت نام نکردن دانشجویان سال اول اقتصاد در ترم دوم و اکنون مقامات آموزشی با دادن نامه "ه" به حدود ۱۲۰۰ تن از دانشجویان و اخراج بی دلیل غیر قانونی حدود ۵۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه های حقوق و ادبیات و علوم اداری و علوم اجتماعی صرفاً به واسطه ایجاد شرایط ضد آموزشی در دانشگاه در امتحاناتی که اصولاً برگزار نشد و شرکت نکردند و دست به عمل غیر قانونی دستگیری زده اند که با مخالفت شدید استادان نیز روبرو شده است و استوارطمینان به ادامه محصور ماندن از حقوق اساسی هر انسانی است از ما سلب کرده اند.
 از آنجا که در جریان گیری این مسائل روسای دانشگاه ها از خود سلب مسئولیت نموده اند لذا برای مدافعت رژیم در دانشگاه و بیان خواست مان منطبق بر لغو نامه "ه" ثبت نام از دبستان اداری سنکت ۱۲ روز در ترم ۲/۶۰ در محل زمین چمن دانشگاه کردی آمیم. دانشمندان دانشگاه تهران
 به دنبال این افشاگر که صرفاً برای اطلاع دانشجویان جهت تصمیم گیری صادر شده بود و روز دوشنبه ۲۵/۶/۵۰ در دانشگاه محصوریم را محاصره کرد. دانشجویان دانشگاه حقوق در صحنه ۱۲ خرداد به محوطه انعام نرسیدند و رسانند ولی گارد از طلق شدن دانشجویان هنرها و ادبیات و منوی ورزشی به دانشجویان حقوق جلوگیری کرد. علی رقم این محاصره و جلوگیری و در هم نهادن دانشجوی

تظاهرات پرشور دانشجویان به مناسبت اول ماه مه

دانشجویان دانشگاه تهران به مناسبت اول ماه مه (روز همبستگی رزنده کارگران جهان) تظاهرات پرشور و سازمان یافته در دانشگاه تهران در حیابان عباسی (یکی از حیابان های غربی شهر) خود را در دست به تظاهرات زدند که بلافاصله با پشتیبانی و استقبال کم سابقه زحماتکشان ساکن محل روبرو شدند. استقبال آن چنان پر شور بود که طبق گزارش مسئولان نوبه که در تظاهرات شرکت داشت پس از زمان از قبول تعیین شده ادامه یافت. در جریان تظاهرات دانشجویان تعداد زیادی تراکت در بزرگ روزاول ماه مه پیش کردند که با استقبال روبرو شدند. ضد تظاهر کنندگان پلاکات بزرگ پارچه ای که مضمون آن دریا، در روز اول ماه مه و افشاگری خیانت های رژیم بود سینه آرا محوری طلسم کارگران و زحماتکشان ایران بود با خود حمل کردند. در پایان این تظاهرات که گروه زیادی از زحماتکشان محل با آن هنگام شده بودند، مظاهر کنندگان با دکارگسروان شهید انتصابی (حیابان جیت) را گزافی داشتند. تظاهر کنندگان پیش از رسیدن پلیس شهری شدند و کمیته ای شاه نتوانستند به آن ها دست یابند.

دوبابان سحروری به تظاهر کنندگان حمله کرده و ده ای را دستگیر نمود. همکاری مردم با تظاهر کنندگان شکست انگیز بود. بعد از حمله پلیس و ارتش بسیاری از دختران تظاهرکنندگان برآمد به داخل خانه هایشان راه دارند و در همپا ساکن محلات اطراف می تری و کاسب های محل دانشجویان و دیگر تظاهر کنندگان را کاز چنگر از آزادی شاه فداوارک کردند برای فرار از مناسبتی می کردند و آدرس کچه های را که در روز اول است در اختیار آن ها می گذاشتند. همین گزارش ها حاکی است که به بسیاری از مردم عادی هنگام این گیری تظاهرات در حالی که آن ها فریاد میزدند "مردم به ما ملحق شدند - ما سزاوار ما سزاوارند و روسای خیابان برای دانشجویان تظاهر کنندگان دستگیر شدند و هر را می کشند."

دانشگاه های مختلف فوق شدند در زمین چمن اجتماع کنند. ساواک و گارد که اجتناب از دانشجویان وحشت زده شده بود توسط جغدی با چیدمان اتومبیل رها کرد که توسط سرنهتیه داشت در اطراف محوطه چمن به گردش درآمده. از لندن کوی این اتومبیل ساواک مدام شعار "زنده بماند شاه" پخش می شد. کسی که صدای درگه ا شنید و یا پشت میگر و خرها کرده بود یکی از مأموران ساواک بود. این توطئه هم کارگر نقیانه و دانشجویان با حفظ آرامش اجتماع خود را ادامه دادند.
 یکی از فرماندهان نظامی کادر کار محاصره دانشجویان در حالت داشت در این لحظه با پیش گشت و از دانشجویان خواست نامحوطه دانشگاه را ترک کنند. دانشجویان که طبق برنامه قبلی برای رجوع به دبیرخانه دانشگاه منتظر چپین شرایطی بودند با گزارش کامل و به طور دسته جمعی محوطه دانشگاه را ترک کردند و در پیاده روی مقابل دبیرخانه روی زمین نشستند. این عمل نظر صدها مأمور پیاپی را در منطقه ۲۶ آشفند به خود جلب کرد و اگر درک نا فکوری شده بود برای شفری کردن اجتماع کنندگان و جلوگیری از مویست مردم به دانشجویان حمله پشتیبانه آورده آنها تقاضا بود. دانشجویان از این لحظه به بعضاً فریاد "تکبار بر این حکومت فاشیستی" در صحنه شرق جنوب دانشگاه به حرکت در آمدند. دو گروه بزرگ دانشجویان در حیابان سحروری ترمید به شاه بسته. دکدیگر ملحق شدند و فریاد "مردم به ما ملحق شوید" حرکت خود ادامه دادند.
 گزارگران نوبه می نویسد تظاهرات خیابانی سحروری با استقبال گرم مردم روبرو شد. چند معازه داری که دست ناخود شایعات ساواک صفتی بر شکست و آتش زمین معازه ها را از نیل ها نرسید بودند و در صحنه دیدند معازه های خود را ببندند و بعد از ظهور تظاهر کنندگان به این حمله به معازه ها بازگردید معازه های خود را بالا کشیدند و به دککار هم توصیه کردند معازه ها را ببندند. به ما گذاری ندارند. در روز یکشنبه بودند. این معازه ها را آنست نشی زده. تکبار که در این روزها کتک سوره های ارتش (گارد شاهنشاهی) در خیابان ها مستقر شده بود در

بیانیه جمعیت حقوقدانان ایران

بد سال پیش در چنین روزهای جمعیت حقوقدانان ایران بنیاد گرفت و سپس با تعصب و انتشار بیانیه های موج بهشت نور و چهارم مهر فرام گذاری و سازمان یافتن هدیه از تشکیل این جمعیت استقرار حکومت قانون و تأمین استقلال قوه قضائیه و آزادی های فردی و اجتماعی مندرج در قوانین اساسی ایران است به همین جهت کسانی که در سالیان گذشته از قانون فقط نام آن را خواسته اند هنگامی که با تملی این اندیشه روبرو شدند به مقابله ناخواندانه ای با آن پرداختند.

این مقابله با اخراج بسیاری از اعضاء کنندگان بیانیه های این جمعیت از مشاوره و وکالت در ادارات و سازمان های دولتی آغاز شد و پس از این که ایجاد تعصبات و مشکلات دیگری برای افراد این جمعیت از قبیل مطالبه مالیات های کزای، هنگامی و تهمید در ارتباط گیتی تلقی در رومیه و عزم استوار در استان مابین نهاد آزادی و سلاطین و اشراف و کلاهی دادگستری در معرض ملاحظه قرار گرفت.

بگو از درخشان ترین کارهای افراد جمعیت ما دفاع از این گناهانی بود که در چند ماهه اخیر در اجتهادات و تظاهرات خیابانی ویا به طرز دیگر دستگیر و زندانی شدند و وکلای که در این محاکمه شرکت کردند نشان دادند که با شناخت رسالت راستین و فصل وکیل دادگستری برای آشکار کردن حقیقت عزم خود را میزم کرده و بزرگ مراجع قانونی از هیچ کوششی فرونگه از نمی کنند به همین جهت تجاویز های ناخواندانه در درجه اول متوجه عده ای از این گروه شد:

۱- در تاریخ ۱۳۵۷/۱/۲۹ به منزل آقای هدایت الله خن در قزوین بصب پرتاب کردند.

۲- در همان روز سی در بدخل دفتر وکالت آقایان شوجهر مسعودی و محمد زارعی متضرر شد.

۳- در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۷ آقای دکتر عبد الکریم لاهیجی توسط گروهی همیاجم مورد آبرودار و ضرب و جرح قرار گرفتند همان شب سی در دفتر وکالت ایشان متضرر نمودند.

۴- در همان تاریخ سی به منزل آقای آریوش فرخوسر وکیل دادگستری پرتاب کردند.

۵- به منزل آقای حسن نریزه دستگیر و زند و علاوه بر مقام ریوی او را و اسناد شخصی ایشان تعدادی فرستادیم به سرقه رفت.

۶- آقایان ناله بزیان وکیل دادگستری مهم رضائیه بهمدکسبین امنیت اجتماعی به راهبر و تمهید گردیدند. ما از مردم آزاده ایران و کسانی که به حکومت قانون ایمان و اعتقاد دارند درخواست می کنیم که در برابر این نوظه ها و تندیهای و خشونت به حرم دفاع و امنیت و کلاهی دادگستری به اعتراض برخیزند و با ائتلاف ماهیست این نوظه ها سازمان دهندگان آن را با زهم رسوائت سازند.

جمعیت حقوقدانان ایران
تهران - چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷

اعتصاب زندانیان سیاسی در تبریز و قزل حصار

- ۱- امکان ملاقات با خیرستان در درجه دوم
- ۲- امکان استفاده از دکتر شخص و بیمارستان
- ۳- تعمیر وسائل در دانشگاه تبریز
- ۴- افزایش جیره غذا
- ۵- جلوگیری از گرانفروشی فروشگاه زندان
- ۶- گسترش فضای مناسب برای زندانیان
- ۷- ایجاد کارگاه در زندان

این نامه برای افراد و کمیته های زیر فرستاده شده است:

رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران، رئیس کمیته دفاع از حقوق بشر و پیشرو آن در ایران.

زندانهای که نامه را ارسال کرده اند، محکومین نشان از آن سزا ناپذیر است.

نامه زندانیان سیاسی تبریز در شرایطی نوشته شده است که هفته ها از اعتصاب زندانیان سیاسی زندان قزل حصار و آذربایجان هیچ خبری درباره آن از طریق روزنامه ها، آژانس خبری منتشر نشده است. زندانیان زندان قزل حصار نیز به شرایط دشوار و محدودیت های غیر انسانی حاکم بر این نهادها متضررند.

زندانیان سیاسی تبریز برای اعتراض به شرایط دشوار و غیر انسانی حاکم بر زندان ها از سوم اردیبهشت ماه اعتصاب ملاقات کردند. این زندانیان در زیر بسیاری سر نیزه دوستان طی نامه ای خواست های خیرخواهانه اعلام داشته اند. در نامه آمده است: ما زندانیان سیاسی تبریز اعلام می داریم که در اردگاه های سری نظامی غیر قانونی به خاطر خواندن اعلامیه و کتاب و جزوه یا به خاطر شرکت در اعتصابات دانشگاهی به زندان های دراز مدت محکوم شده ایم و برخلاف گفته های رژیم کدر در مطبوعات بین المللی اعلام می یابیم طرا شکیه کرده اند. بنابراین:

الف- ما خواهان تجدید محاکمه به صورت علنی در اردگاه های عادی دادگستری با حضور هیئت ضمیمه هستیم.

ب- ما طی چند نامه از وضع زندان شکایت کرده ایم اما سکوت به درخواست های ما که به شرح زیر است، وقعی نگذاشته اند:

- ۱- استفاده از مطبوعات کتاب های داخلی و خارجی مجاز در ایران
- ۲- استفاده از راهبر و موج مخصوص به صورت شخصی

جنابیت رژیم در خانه آیت الله شریعت مداری

در حدود ساحت ۱۰ بدون کو چکترین ملت و حتی وجود بهانه به ناگاه ماورین صلح انتظامی با تیمیام غیر قانونی و با کربار مسلط وارد صحن شده و بسی آن که در میان کمی امانت به مقاومت با فرصت سوزی باشد، در تبریز ماورین قرار گرفته و مورد ضرب و جرح و کت و واقع می گردند. فضای حرم رهبر شیعیان جهان از این حادثه دستخو تر خرابی وقت آوری میگردند. در بازدید از منزل حضرت آیت الله العظمی شخصاً در داخل یکی از اتاق ها روپوشی مزین تزیین شده و بیکه ها و خوشنویسی و صحنه های ناگوار دیگر مشاهده کردم. تماایز به حرم و کتابخانه مرجع و صحنه ها...

نامه ای در شهر تبریز به انضای احمد بنی احمد نماینده تبریز در مجلس شورای ملی دست به دست می گردید که بر اساس شواهدات این نماینده از شهر تبریز نوشته شده است. گفته می شود قسمت های از نامه مورد بحث حتی در مجلس شورای ملی خوانده شده است. اما مطبوعات کوفته می و بلند گویای تبلیغاتی رژیم در باره آن مهر سکوت بر لایه اند. ما قسمت های از این نامه را که تنها گوشه ای از فجایع رژیم شاه - ساواک را در قلم قاش می کند، چاپ می کنیم:

* صرف نظر از حوادثی که در شهر قم اتفاق افتاده است، باید از روز چهارشنبه گذشته صحن تبریز حرم سکوتی حضرت آیت الله العظمی آقای سید کاظم شریعت مداری مانند روزهای عادی مرکز رفت و آمد افراد روسا و عمو روسای و زبان برای رفع حوائج دینی بوده است که

تعبیر و ادراک آیت الله خمینی

ساعت ۱۱ شب پانزدهم ۲۱ اردیبهشت، گزارش های شاه حضرت آیت الله سلمه مرتضی چندیده خمینی را در خانه اثر پذیرد مستگیر کردند. وی را در بزرگ و نشانیده آیت الله خمینی در ایران است. ما دوران بعد از دستگیری برادر آیت الله خمینی و انوار به نقطه نامعلوم بودند.

پیام برای گروه تند

رفقای گرامی، خواهش می کنیم هر چه زود تر با مرکز حزب تماس بگیرید و به ما درود های گرم

تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری شرط لازم
برای سرنوشتی رژیم شاه است!

با ما هم پیوسته کار کنید

Sweden
10028 Stockholm 49
P.O.Box 49034

حساب بانکی ما

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
Nr O 400 126 50
Dr. P.O. ۶